

ضرورت اصلاح سیاست خارجی در زمینه‌ی آب و ریزگردها

عباس محمدی، کنشگر محیط‌زیست

(مدیر گروه دیده‌بان کوهستان انجمن کوه‌نوردان ایران)

۱۴ شهریورماه ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۲۳۱

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

اشاره

در چند سال اخیر آلودگی ناشی از ریزگردها که بخش قابل‌توجه آن از خارج از کشور وارد می‌شود، به یکی از مشکلات بزرگ محیط‌زیستی ایران بدل شده است. برای حل یا تخفیف این معضل، لازم است که یک همکاری بین‌المللی در سطح منطقه (به‌ویژه میان کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه) صورت گیرد. از سوی دیگر، قابل‌کتمان نیست که سیاست خارجی ما، نه در چند سال اخیر بلکه از چند دهه پیش، در مسائل مربوط به محیط‌زیست بسیار ضعیف عمل کرده است.

پیش از این، درجایی، اشاره کرده‌ام که موضوع محیط‌زیست امری است سیاسی^(۱). در یکی دو هفته‌ی پس از بهار ۹۵، با پشت سر گذاشتن بهاری به نسبت خوب از نظر بارندگی‌ها و داشتن هوایی سالم در بیشتر منطقه‌های کشور، بار دیگر ریزگردها هوای نیمی از کشور را آلوده ساخت. این بار، دولت مدیریت مبارزه با آلودگی ناشی از ریزگردها را به وزارت خارجه سپرد^(۲) و خانم ابتکار رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست هم گفت که حل مشکل ریزگردها، درگرو حل مسئله‌ی جنگ و تروریسم در منطقه است^(۳). این دو موضوع تأییدی است بر سیاسی بودن قضیه‌ی محیط‌زیست و جای خوشوقتی است که مسئولان دولتی هم به این دریافت رسیده و بر آن تأکید دارند (و در نتیجه، کنشگران محیط‌زیست را اگر گریزی به سیاست بزنند، به «سیاسی‌کاری» متهم نخواهند کرد)؛ گو این که ماجرا می‌تواند انداختن تمامی قصور و خطا بر عهده‌ی دیگران هم باشد!...

درگیری آبی (water conflict) که گاه «جنگ آب» خوانده می‌شود و از آن به‌عنوان جنگ بعدی خاورمیانه یاد می‌کنند، در واقع سال‌ها است که آغاز شده و آتش آن منطقه را فراگرفته است. جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، فقط بر سر تصرف زمین نبود و بخش مهمی از آن که با تصرف بلندی‌های جولان از سوی اسرائیل نمود یافت، در واقع جنگ برای سلطه بر منابع آب (سرچشمه‌های رود اردن) و سلب حق بهره‌برداران دیرینه‌ی آن رودخانه بوده است^(۴). جنگ‌ها و درگیری‌های پر شمار هند و پاکستان هم تا حد زیادی ریشه در مسئله‌ی بهره‌برداری از آبخیز بزرگ کشمیر (سرچشمه‌ی رود سند) داشته است^(۵). در مقیاس‌های کوچک‌تر و درون کشوری، جنگ

چکیده

رودخانه‌ها در مسیر طبیعی خود، بی‌اعتنا به مرزهای سیاسی مصنوعی، به سرزمین‌ها و مردمان سر راه خود با گشاده‌دستی، آبادانی و سرزندگی می‌بخشند؛ اما دست‌اندازی انسان به سامانه‌ی رودها و برداشت بی‌ملاحظه‌ی آب از آن‌ها موجب برهم خوردن چرخه‌ی حیات و اقتصاد در یک یا چند کشور مسیر می‌شود. همکاری نداشتن کشورهای که میزبان یک رودخانه‌ی فرامرزی هستند، ممکن است به خشک یا کم‌آب شدن بخشی از بستر رود یا مصب آن و تالاب‌هایی که وابسته به رود هستند، بیانجامد. نمونه‌ای از سیاست ورزی کوتاه‌بینانه در استفاده از رودخانه‌ها را می‌توان در برنامه‌های سدسازی ترکیه دید که حیات طبیعی و هویت تاریخی سرزمین میان‌رودان (بین‌النهرین) و سرنوشت ده‌ها میلیون انسان ساکن در آن را نادیده گرفته است. در این میان، کشور ما هم سیاست‌های آبی خودش را بی‌توجه به کشورهای همسایه پیش برده و در عین حال، هیچ تعامل مؤثری با ترکیه، کشوری که حدود نود درصد آب‌های جاری سوریه و عراق و مرز جنوب غربی ایران از آن سرچشمه می‌گیرد، نداشته است.

کلیدواژه‌ها

ریزگردها، سیاست خارجی، آب‌های فرامرزی، درگیری آبی.

ترکیه و عراق پیش می‌رفت، موضوع زنده نگه‌داشتن دشت میان‌رودان (بین‌النهرین) بوده که به کلی مغفول مانده است. ساخت سدهای عظیم از سوی ترکیه بر سرشاخه‌های دجله و فرات تاکنون تا حد زیادی سبب کم شدن آورد رودخانه‌های دجله و فرات شده و در یکی دو دهه‌ی آینده می‌تواند جریان این دو رود را که سرزندگی میان‌رودان تاریخ‌ساز وابسته به آن است تا هشتاد درصد کم کند. اگر این سدسازی‌ها تکمیل شود و حقایق تاریخی سوریه و عراق و محیط‌زیست تأمین نشود، هم عراق و سوریه آسیب جدی خواهند دید و هم کشور ما به علت ورود ریزگردها و کم‌آب شدن شط العرب (اروند رود) سخت گرفتار مشکلات محیط‌زیستی و اجتماعی-اقتصادی خواهد شد. دستگاه دیپلماسی ما تاکنون هیچ کنش درخور توجه و مؤثری در این زمینه نداشته است. در صورتی که کشور ما بالقوه کشوری است تأثیرگذار و می‌تواند در صورتی که ورود تمام و کمال به جامعه‌ی جهانی، از ابزارهای اقتصادی و فرهنگی خود، بی‌هیچ هزینه‌ی زیاد، بهره‌برداری کند و برای مثال ترکیه را به پیوستن به «کنوانسیون استفاده‌ی غیر کشتی‌رانی از جریان‌های آبی بین‌المللی»^(۹) تشویق کند. این معاهده می‌تواند به حفظ جریان‌های آبی فرامرزی (مشترک میان چند کشور) و حراست از حیات رودخانه‌ها و سرزمین‌های بهره‌مند از آن‌ها کمک کند.

بدیهی است که «رطب‌خورده نمی‌تواند منع رطب کند» و لازم است که خود ما شیوه‌های مدیریت منابع آبی مان را اصلاح کنیم و در مورد آب‌هایی که از کشور بیرون می‌روند، این طرز فکر را که تنها راه درست، مهار کردن آب‌های مرزی است کنار بگذاریم. در این صورت است که خواهیم توانست منابع آب ورودی به کشورمان را هم به صورت مشترک با همسایگان مدیریت کنیم. در حالی که امروزه برای مثال نه تنها نتوانسته‌ایم افغانستانی‌ها را از ساخت سد سلما که آب هریرود را مهار و شمال خراسان را دچار کم‌آبی خواهد کرد بازداریم، بلکه حتی نتوانسته‌ایم سهم خودمان را از آب هیرمند (که برای آن قرارداد هم داریم) بگیریم. اصل پایه در این «مدیریت مشترک» این است که چند کشوری که از کوهستان تا مصب میزبان رودخانه هستند، به زنده ماندن رود و به تجربه‌های بومی و هزاران ساله‌ی بهره‌برداری از آن احترام بگذارند و نکوشند که «مرغ تخم طلا» را بکشند تا تمام سود را یکجا و برای خود بردارند.

دولت ترکیه با کردهای جنوب شرقی کشور تا حدی یک مسئله‌ی مرتبط با آب است؛ حکومت قصد دارد با سدسازی‌های گسترده و راه‌انداختن کشت و صنعت‌های بزرگ، ترکیب قومی منطقه‌ی کردنشین و توان اقتصادی در آنجا را به نفع ترک‌ها تغییر دهد^(۴). جنگ و کشتاری هم که صدام حسین بر ضد شیعیان و مندایی‌های جنوب عراق راه‌انداخت، از جهاتی به موضوع آب مرتبط بود؛ رژیم صدام با منحرف کردن آبی که از رودهای دجله و فرات به تالاب‌های جنوب عراق وارد می‌شد و راندن آن به سوی کشتزارهای جدید، قصد داشت که سلطه‌ی خود را بر مردم آن منطقه محکم‌تر و قدرت اقتصادی و سیاسی هم‌پیمانان قومی-مذهبی خود را بیشتر کند. نتیجه‌ی این کار حکومت وقت عراق، کشته شدن هزاران تن، بی‌خانمان شدن صدها هزار تن، خشک شدن آن تالاب‌های باشکوه و بابرکت، رقم خوردن یکی از فاجعه‌های بزرگ زیست‌محیطی جهان و به پا خاستن توفان‌های بی‌سابقه‌ی ریزگرد بود^(۵). جنگ دیگری که به گفته‌ی بعضی شخصیت‌ها مرتبط با موضوع آب است، ظهور پدیده‌ی داعش و دیگر گروه‌های افراطی در منطقه است؛ گفته‌اند که کم‌آبی‌های پدید آمده در سوریه و عراق، بی‌کار شدن انبوهی از کشاورزان و تبدیل شدن آنان به حاشیه‌نشینان شهرها، در بروز گرایش‌های جنگ‌طلبانه نقش داشته و کمک مؤثری بوده به سردمداران این‌گونه گرایش‌ها برای سربازگیری از خیل بی‌کاران^(۸).

مسئولان سیاست خارجی ایران در بیش از سه دهه‌ی گذشته، در مورد محیط‌زیست و مسئله‌ی حیاتی آب چه تعاملی با کشورهای همسایه داشته‌اند؟ واقعیت این است که فرصت سوزی به بخشی از سیاست خارجی ما بدل شده است؛ ما همان‌گونه که فرصت‌های تاریخی مانند از هم پاشیدن شوروی را از دست دادیم (و ترکیه جای ما را در کشورهای آذربایجان و ترکمنستان و... که با ما مرزها و ریشه‌های فرهنگی مشترک دارند، گرفت) فرصت همکاری بر پایه‌ی سود دوسویه با عراق پس از صدام را هم تا حد زیادی از دست داده‌ایم. با ترکیه نیز که ما برایش یک منبع سود بزرگ هستیم (ترانزیت و واردات کالا از آن کشور، فرستادن سالانه صدها هزار گردشگر، تأمین گاز،...) نتوانسته‌ایم چنان رفتار کنیم که سود متناسبی نصیب خودسازیم. یکی از مهم‌ترین و می‌توان گفت حیاتی‌ترین، پروژه‌ها که می‌بایست در چارچوب همکاری‌های دیپلماتیک با

اگر ترکیه برای تولید برق، بر دجله و فرات سد می‌سازد، شاید ایران و عراق بتوانند انرژی ارزان‌تری در اختیار آن بگذارند؛ اگر می‌خواهد کشاورزی کند، شاید دشت‌های سوریه برای این کار مناسب‌تر باشد تا تپه‌ماهورهای جنوب شرق کشور خودش؛ اگر ایران با سد زدن بر سیروان می‌خواهد کشاورزی در دشت‌های گرمسیری خودش را توسعه دهد، چرا در گفتگو با عراق از آن کشور درخواست محصولات یا خدماتی باقیمت‌ها یا تعرفه‌های ترجیحی نکند؛ آیا نمی‌شود به ازای تفاهم با افغانستان برای رسیدن آب‌های هیرمند و هریرود به مقصد، به آن کشور اجازه‌ی بهره‌برداری از بندر چابهار را داد؟ برای این‌گونه دادوستدهای زیست‌محیطی-اقتصادی، بسیار گزینه‌های پایدار دیگر می‌توان طرح کرد.

نتیجه‌گیری

مهار آب‌ها در سرچشمه یا میانه‌های مسیر طبیعی رودخانه، آسیب‌های سختی را به جامعه‌ها یا کشورهای پایین‌دست وارد می‌سازد که دیر یا زود دود آن به چشم بالادست‌نشینان هم خواهد رفت؛ چنان‌که ریزگردها نه فقط بر ایران و عراق که بر جنوب شرق ترکیه هم اثر گذاشته و ناامنی ناشی از ظهور افراطی‌گری در سوریه و عراق، امنیت ترکیه را نیز مخدوش کرده است؛ اما گفتگوهای دیپلماتیک و یافتن راه‌های آشتی‌جویانه و طبیعت‌دوستانه برای بهره‌برداری از آب، برای همه بهتر خواهد بود.

ضرورت دارد که دستگاه مسئول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نهادهای تصمیم‌ساز در این حوزه، به‌منظور رفع یا کم‌تر کردن خطر بزرگی که ریزگردها برای سلامتی محیط‌زیست و مردم کشور ما ایجاد کرده است، گفتگوهای دیپلماتیک گسترده‌ای را با کشورهای منطقه آغاز کند. درعین‌حال نباید از نظر دور داشت که تا جمهوری اسلامی ایران جایگاه شایسته‌ی خودش را در عرصه‌ی جهانی به دست نیاورد و با قدرت‌های فرا منطقه‌ای تأثیرگذار در منطقه وارد تعامل نشود، نمی‌توان امیدی به شکل‌گیری همکاری مؤثر منطقه‌ای داشت.

پی‌نوشت

۱) محمدی، عباس. «محیط‌زیست و میراث فرهنگی، امری است سیاسی»، [خبرآنلاین](#)، ۱۳۹۵/۱/۲۰

۲) [روزنامه‌ی ایران](#)، ۱۳۹۵/۳/۳۱
۳) [خبرگزاری ایرنا](#)، ۱۳۹۵/۲/۲۳
۴) برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: پی‌یرس، فرد. *وقتی رودخانه‌ها می‌خشکند*، ترجمه: بهشید دلیلی، انتشارات بهجت، ۱۳۹۳، صص ۱۵۹ تا ۱۶۵
۵) همان، صص ۱۷۳ تا ۱۷۵
۶) برای آگاهی بیشتر درباره‌ی برنامه‌های سدسازی در ترکیه، می‌توانید نگاه کنید به: محمدی، عباس. «[سدسازی در ترکیه](#)، [بیابان‌زایی در عراق](#)»، ماهنامه‌ی جهان سبز، شماره‌ی ۵ و ۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۴

۷) گزارشی مصور و یک ویدیو از وضعیت تالاب‌های جنوب غربی عراق در دوران پیش از تخریب به دست صدام، پس از تخریب، همچنین تلاش‌های اخیر برای باززنده‌سازی آن (به قلم ریحانه تیز مغز) را می‌توانید در [تارنمای کارناوال](#) به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ ببینید.
۸) برای مثال، نگاه کنید به: درویش، محمد. [بیابان‌زایی، آرامش را از سرزمین می‌رباید](#)، تارنمای [مهار بیابان‌زایی](#)، ۱۳۹۴/۳/۳۰
درعین‌حال، لازم به یادآوری است که نظریه‌ی مؤثر بودن خشک‌سالی یا تغییر اقلیم در بروز پدیده‌ی داعش و دیگر گروه‌های افراطی، تاکنون عمدتاً از سوی سیاستمداران و نظامیان مطرح‌شده و در این زمینه پژوهش‌های علمی چندانی صورت نگرفته است؛ نگاه کنید به گزارش گاردین (۲۹ نوامبر ۲۰۱۵) در این زمینه: [Is climate change really to blame for Syria's civil war?](#)

پژوهش‌های زیادی در زمینه‌ی تأثیر تغییرات اقلیمی در بروز درگیری و جنگ صورت گرفته است، از جمله: جعفر سپهری در مقاله‌ای با اشاره به سال‌های حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ خورشیدی، یعنی «دوره‌ی گرمایی پیش از عصر یخبندان کوچک - ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ خورشیدی - که در آن میانگین دما از امروز بالاتر بوده» می‌گوید که در آن دوره‌ی گرم، جمعیت اقوام ساکن در استپ‌های آسیایی رشد بسیاری کرد که در پی آن، حمله‌ی قوم مغول رخ داد و تمامی جهان آن روز را زیر تأثیر گرفت: سپهری، جعفر. «[عصر یخبندان کوچک و تأثیر آن بر ایران زمین](#)»، مجله‌ی علوم زمین و معدن، سال دوم، شماره‌ی ۱۸، مهرماه ۱۳۸۶

۹) [Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses](#), New York, ۲۱ May ۱۹۹۷

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.